

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین – سعیدی

۲۵.۰۵.۱۰

## تفاهم بین الافغانی اساساً توافق بر قواعد و راه کرد های زندگی سیاسی است!

(دافغانستان نجات جرگه- جرگه نجات افغانستان)

صدای صلح و تفاهم بین الافغانی ضرورت اولی و عمده عصر ما است. تمام افغانهای صالح و خیر اندیشان جهان عملاً درک نموده و به اساس حکم عقل، منطق، صدای ضمیر نیک و اصل انسانیت متفقاً به این متیقن اند که راه نظامی و صرف راه نظامی و تفنگ راه حل اساسی مسایل نیست. به موفقیت های زود گذر نباید مغرور شد. مثل و مثل بسیار سابقه افغانی (په زور کلي نه کيږي- به زور قريه و ده آرام نمی شود...) درست بودن خود را ثابت ساخته و خواهد ساخت. با فشاری به راه حل نظامی خود مشکل برانگیزاست تا حل کننده.

گروه های سیاسی که به این فورمول یا فشاری دارند، مستکبران، آزمندان و ظالمانه در ادامه رنج و عذاب مردم افغانستان و خطر برای صلح آگاهانه و نا آگاهانه مصروف کار اند. این نیرو ها و افراد باید بدانند که این تأکید راه حل نیست بلکه ادامه رنج و آلام مردم ما است.

طرح های سهم دادن در مال غنیمت، در قدرت سیاسی به صورت غیر مشروع سهم ساختن، با پول تطمیع و تحدید آرزو صلح داشتن، با وعده های پناهندگی دادن، امارت اسلامی ورنه این است تفنگ و از زور کار گرفتن، به حملات انتحاری بی سرو پا پرداختن، راه حل نیست. این موضع و این حالت ملت، جامعه جهانی و صلح را در گروگان گرفتن چیزی بیش نیست.

این موضع و این برخورد رنج، عذاب و خون ریزی به خویزی و خانه خرابی بیشتر میانجامد. همچو برخورد و این عمل نزد الله تعالی و مردم ما منفور است و خواهد بود. این طرح ها طرح صلح نه بلکه دعوت و تهدید مقابل به تسلیمی است.

اینکه کسی، حزب و سازمان سیاسی تأکید دارد که علاقه مند سهم گیری در سیاست و قدرت سیاسی نیست (جنرال حمید گل رئیس اسبق استخبارات نظامی پاکستان در مورد حرکت طالبان امروزی چندی قبل در نشریه شپیگل در یک مصاحبه گفته) یک تأکید غیردقیق است. تمام نیرو های سیاسی حق دارند و باید برای تحقق نسخه های دست داشته خیر و خدمت خویش با تلاش مشروع برای کسب قدرت سیاسی تلاش مشروع داشته باشند. این تلاش برای خدمت عبادت است.

اما بر ماست تا با هم نشست و بر قواعد زندگی در خانه مشترک توافقات اولی و ابتدایی کنیم. برای گرفتن مشروعیت نسخه و نظر خویش به ملت مراجعه کنیم.

اکثریت قریب به اتفاق مردم ما مسلمان اند و مردم ما مطمئناً در چوکات و اصول اسلامی انتخاب خود را خواهند داشت. بیاید به مسلمانی و ایمان مردم خویش ایمان داشته باشیم. مطمئناً نقش علماء و روحانیون و پیشتران جامعه در انتخاب ملت قایم مقام ندارد.

به فهم من مشکل زمانی آغاز میشود و این اساس مشکل در جامعه ما بوده و هست که به مجرد که یک عده به قدرت سیاسی رسیدند و یا هم تشکل ساختیم و سازمان دهی بوجود آوردیم و خود را موجود با نیرو احساس کردیم باز خطر توتالیته اندیشیدن و خطر خود را کل واقعیت چهره سیاسی جامعه پنداشتن و خود را العیاذ بالله عقل کل دانستن و نظر خویش را بر دیگران تحمیل کردن آغاز میشود.

اگر توتالیته می اندیشیم و اگر خود و فکر خویش و راه خویش را یگانه راه درست میدانیم این به ذات خود مشکل نیست. مشکل در مرحله ای آغاز میگردد که خود را کل واقعیت و عقل کل می دانیم و به تحمیل آن با امکانات مشروع و نامشروع و حتی تفنگ و قدرت دولتی استفاده برده میشود.

اگر به علاوه خود به موجودیت دیگران اعتراف نداریم و اگر بر توافق بر اصول و قواعد زندگی سیاسی معتقدیم نیستیم مشکل ما حل شدنی نیست. بلی همین است رمز و کنه مشکل ما.

باید به این متمرکز شد تا میکانیزمی را ایجاد کرد که ملت سخن اصلی و آخری را داشته باشد. باید به ملت طرح، نقشه و برنامه خویش را که ما آنر برنامه خیر میدانیم پیشکش کرد و مشروعیت نسخه خویش را با قانع ساختن ملت مشروع ساخت و بعد از آن به تطبیق آن صلاحیت یافت. اگر این نسخه، نسخه امارت اسلامی و یا هم نوع دیگر از حاکمیت باشد. بلی سخن اصلی و نهایی را باید ملت داشته باشد. مکرراً برین اصل و واقعیت تاکید کردن میخواهم که ملت ما مسلمان است. طرح و طرز تفکر ملت ما در چوکات اندیشه های اسلامی خواهد بود.

ما به این باوریم که درین مرحله باید از تمام شیوه های انسانی و ممکن برای رسیدن به حق و دفاع از آن استفاده برده شود. بر ماست تا بالاخره درک و فهم خویش را از جوانب عملی خواست ملت مستضعف خویش، مردم صلح دوست جهان دقیق نموده راه های درست، منطقی و قابل قبول را برای تمام جوانب که در آن منافع ملت افغان اولویت داشته باشد پیشکش بداریم. این راه ها و نسخه ها حتمی نیست از جانب تمام جوانب مطرح نیرو های سیاسی در کشور موافق و عین چیز باشد. توافق به اصول و قواعد اساسی زندگی خانه مشترک ضرورت و حتمی است اما در نسخه ها و راه های حل توافق و وحدت ضرورت نبوده و در موارد حتمی هم نیست.

کار مشترک به این منظور بخاطر توافق به اصول ابتدایی زندگی سیاسی در خانه مشترک به معنای گذر و تخطی از اصول و نسخه خویش نیست و مصالحه و تفاهم بین الافغانی هم به این مفهوم فهم و توقع غیر دقیق است. مصالحه حتماً قبول نسخه جانب دیگر نیست و باید نباشد.

بلی راه ها و طرق را باید انتخاب و پیشکش کرد که به حد اقل قربانی ضروری، نتایج بیشتر و دقیقتر بدست آوریم. اما اینکه این راه صلاح و فلاح به فهم ما کدام است، استدلال و منابع خویش را باید به مردم تقدیم کرد و گستاخانه حق انتخاب مردم مسلمان و افغانان را از ایشان به خود انتقال نه داد.

خداوند متعالی حکم میکند که به دست خویش خود را به تهلکه نیندازید. دین اسلامی دین افراط و تفریط نیست. دین اسلام دین دنیا و آخرت است. ما مکلف نیستیم که حتما همه را باید به فهم ما موافق سازیم. بر ما گفتن حق و رساندن گپ و سخن حق برای مردم است. اینکه الله تعالی بنده را عاقل خلق کرده. رسول و انبیاء مبعوث داشته، به علماء و منورین در جوامع بشری هدایت فرموده که در رسانیدن حق و راه راست رسالت خویش را اداء بدارند (اگر بینی که نابینا و چاه است - اگر خاموش بنشیننی گناه است).

اما یک انسان و یک مسلمان انتخاب خود را در چوکات روشنی های فوق دارد و جوابگویی انتخاب خویش است. اینکه کی در انتخاب راه درست و حق به رحمت الهی متصل شده و راه حق را انتخاب میدارد و اراده و مشیت الهی به کدام جانب رفته، حکمت آن چیست؟ و خاتمه چطور است و در نهایت خیر نصیب کی خواهد شده مسایل است که باید حق، حد و صلاحیت خویش را دقیقا روشن ساخت. تحمیل فهم و اراده خویش بر دیگران فهم نادرست و غیر دقیق از ادای رسالت است.

به مفاهیم سوره ها و رهنمود های الهی، عمق و ابعاد واقعی آیات قرانی مانند (والصلح خیر.... و ان طایفتان من المومنین الاقتتلوا..... عیس و تولى ان جاءه الا عمی..... و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه... و العصر ان الانسان لفی خسر - الا الذین آمنو و عملوا الصالحات و **تواصوا بالحق**.... صدق الله العظیم) و دیگر رهنمود های الهی - بحث های وسیعی است که تعمق، تدبر و تفکر بیشتر و همه جانبه تر میطلبد. بر ما مسلمانان است که به عمق آن پی برده و خود را به آن کما حقہ عیار سازیم. (بیخشید اگر به علت جلوگیری از طول بحث به ترجمه و تفسیر نمی پردازم). بر هر یک از ما است با جدیت و بدون تأخیر در راستا صلح و تفاهم نیک و رسیدن به توافق در زندگی خانه مشترک با تمام توان کار و فعالیت نمائیم. **وقت برای ضایع کردن وجود ندارد.** تغل و بی پروایی به کشتن، بستن و خانه خرابی بیشتر ما افغانها میانجامد.

تغل و بی تفاوتی درین راستا سبب مواخذہ و نکوهش الهی و وجدان انسان آگاه میشود.

برماست تا صدای خیر و صلح را رسا و رساتر بلند کرده و به نعره های خطر (افغانها کشتی در حال غرق شدن است/ افغانانو کشتی په یو بیدو ده!) جدا متوجه بوده، به نعره نجات (د افغانستان د نجات جرگه / جرگه نجات افغانستان) عملا لیبیک گفته و صدای خویش را به آن صدای خیر و انسانیت ملحق و همصدا سازیم. **برماست ازین وضع رقت بار و غیر قابل تحمل ملت خویش را نجات داده. باید برای تفاهم نیک، تغل و تدبر و صلح خیر کار کرد.**

درین سلسله تلاشهای مردم خیر خواه ما از چندی بدینسو صدا و حرکت خیر خواهانه توسط عده ای از هموطنان در حال بسته بندی و نضج است که برای ما تحت نام (د افغانستان د نجات جرگه / جرگه نجات افغانستان) پیش کش میشود.

در مقدمه برنامه کاری این حرکت ملی، صلح و نجات افغانستان میخوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

### د افغانستان د نجات جرگه

دلوی څښتن د رضا په یوه خپلواک او متحد افغانستان باندې د افغان ولس د واکمنی د افغاني خاوري څخه دهر ډول منظمو او نا منظمو پوځونو د وتلو، درښتیني سولي د ټینګښت، د رواني غمیزي دختمیډو اود ژوندانه په ټولو اړخونو کې د اسلام د سپېڅلي دین پر بنیاد د ټولنیز عدالت د تأمین په خاطر دا لاندې طرحه دافغانستان نجات جرگه خپلو ټولو هیوادوالو، په افغان کښاله کې شاملو اړخونو او اړوندو نړیوالو مراجعو ته وړاندې کوي. ”

جرگه نجات افغانستان که بخاطر دفاع و نجات ملت افغان ، امر صلح و معتقدات اصیل و مثبت مردم ما ایجاد شده ، از تمام جوانب ذیدخل در جنگ و مردم خیر خواه مطلبد که دست به دست هم داده برای تحقق اراده مردم و مردم سالاری ، صلح و آشتی ملی و در تحقق دیگر اهداف عالی و انسانی نه تنها در لفظ بلکه در عمل کار نمایند . برای آغاز کار کمیته اجرائیه مؤقت ایجاد شده که وظیفه اساسی با تمام جوانب درگیر وسیله خوب رابط شده و برای ایجاد و تحقق صلح شامل و حاکمیت مردم زمینه را هموار سازد .

مطابق به این برنامه و پلان تدابیری تمام کمیته ها مؤقت و برای اجرای تدابیر و آغاز کار ایجاد شده . جرگه نجات افغانستان با سازمان های ملی و بین المللی جهان قصد همکاری مشترک را داشته و خواهان مساعی نزدیک و مشترک است تا زمینه های حاکمیت ملی و مردمی را مهیا سازد .

درین برنامه به و خطوط اساسی به بخش از وظایف مشخص و حسابی شده نیز توجه صورت گرفته .

من به این باورم که با همچو صدای صلح و خیر که مانند پلاتفورم و جبهه وسیع بحساب میرود همکاری نموده ، در گرداندگی و پیشرفت آن باید سهیم شد و این صدای ملت و خواست مردم خیر اندیش را که خواست همه ماست یاری و مساعد خیر کرد . درین سلسله هست مسایل که به روشن شدن و تعمق ضرورت دارد . در اخیر برنامه مذکور همچنان محل ارتباط و آدرس ارتباطی ذیل پیشکش شده :

دافغانستان د نجات د جرگي سره اړیکي : ټيلفون: عبد القدير مهمند

(٢٦٩) ٧٠٤٤-٣٥٣ (269) 353-7044 U.S.A

عبدالرحيم کبير (٩٠٩) ٠٥٨٠—٦٢٢ U.S.A ایمیل [afghannj@gmail.com](mailto:afghannj@gmail.com)

هموطنان گرامی و خوانندگان عزیز !

خواستم دید گاه و نظریات و فهم خویش را درین رابط و و مسایل داغ کشور و راه های حل و اینکه به این اهداف عالی انسانی و همگانی درین شرایط به چه طرور رسیده میتوانیم نسخه ها و امکانات عملی و راه های مؤثر رسیدن و تحقق این اهداف و نسخه ها کدام ها اند؟ چنانچه گفتیم نسخه های که به حداقل قربانی نتایج بهتر و خوبتر بدست آورد .

درین راستا بر ماست تا تشویش ها و عدم دقت ها را روشن ساخت . روشی را باید انتخاب کرد و واضح ساخت که باکی باید کار خویش را هماهنگ ساخت؟ ...

مطالبی است که من را به تحریر این نوشته واداشته تا ملاحظات و فهم خویش را با آن منطقی که نزد وجود دارد خدمت شما تقدیم بدارم و امکان انتخاب بهتر را با تمام احترام و صداقت به شما تقدیم بدارم .

از صاحب نظران احترامانه خواهشمندم و تقاضا دارم که در صورت فهم غیر دقیق من از موضوع و تفاوت در راه و نسخه های پیشکش شده من و خوانندگان را راهنمایی و نظر سازنده خویش را درین راستا برای تصحیح من و خواننده گان محترم پیشکش بدارند .

من به این باورم که هر نسخه و تجویز دوا به تغییر شرایط متفاوت بوده و درین راستا اگر امکانات عملی ، شرایط و توانایی های مریض و مرض در نظر گرفته نه شود سبب مشکل شده و تداوی مؤثر نمی افتد .

من به این باوریم که طرح ها و نسخه های بدون در نظر داشت جامعه ، گذشته و حال جامعه افغانی نسخه های خوب نخواهد بود .

هست عده ای که با لاف و گزاف گلو پاره میکنند اما با زندگی مرفه از مردم داری و خدمت به مردم بیگانه شده و حتی در بسیار مسایل با فهم غیر دقیق و غیر اساسی از جامعه افغانی تجرید شده اند. افکار و نسخه های شان خواسته و ناخواسته جوابگوی واقعیت های جامعه افغانی نیست.

هست مواردی که این افراد در تعهدات خدمت به مردم و امر صلح گلو پاره میکنند اما در عمل حتی مثلا از گرفتن و رسیدن ایمیل و نامه برقی کسی به آشفتگی و انزجار بر خورد های افراطی دارند. برای من سوال پیدا میشود که همچواشخاص که توانایی پذیرش یک ایمیل غیر مطلب به نظر شان را ندارند چطور خواهند توانست خدمات بزرگ به ملت و امر صلح انجام داده و ناجی باشند؟ از فداکاری همچو شخصی برای امر خیر، صلح و خدمت برای مردم مطمئن نیستیم. به فهم من کار و فعالیت و تلاش های ایشان نمایشی و در سطح اینترنت، تیلیفون و ... خلاصه میشود که اکثریت قریب به اتفاق مردم ما حتی از موجودیت شان اطلاع و یا هم دسترس ندارند. (الغیب عندالله)

اگر مطلب بالا را گفتیم بجاء است متذکر شویم که در عصر امروز در جوامع مختلف و در طول تاریخ بشریت و حتی در تاریخ اسلام به شمول عصر حضرت محمد (ص) هر یک از مهاجرین و انصار در خدمت به جامعه انسانی و تغییر محتوی زندگی و در جوامع بعدی انسانها و همین مهاجرین توانستند با استفاده از تجارب کشورها و جوامع دیگر بشری که انکشاف مشابه داشتند استفاده نموده و این تجارب جوامع مختلف، علم و فرهنگی آزموده شده را موفقانه و بادر نظر داشت شرایط جامعه خویش تطبیق نموده و موفقیت های زیادی هم داشتند.

دقیقا هر گونه افراط و تفریط درین راستا مجاز نیست. اینکه حکومت ح کرزی از اشتراک در انتخابات و سهم گیری از فعالیت سیاسی در افغانستان ایشان را محروم ساخته کاری است نادرست و به ضرر کشور، مردم ما و امر صلح.

بلی صدای صلح و نجات ضرورت عصر و زمان ماست. ملت افغان صلح و آرامش میخواهد. ملت ما به ناجی ضرورت دارد که این آواز صلح و تفاهم نیک را بلند کرده به رنج و آلام مردم ما خاتمه دهد. بلی ملت ما رنج میبرد و جرگه نجاب مردم افغانستان دقیقا همین شعار های رام طرح و راهها عملی آنها را روی کار کردن میخواهد. چنانچه از نام **جرگه نجات افغانستان** پیدا است این حرکت بخاطر خیر و نجات افغانستان و مردم آن و امر صلح همگانی با وجود تفاوت های سلیقوی کمر بسته و یک حرکت حزبی و سازمانی نیست که دارای ضوابط و قیود شدید حزبی و سازمانی باشد. این حرکت یک پلتفورم خیر، صلح، آشتی و تفاهم نیک است.

قابل یاد آوری و دقت است که مردم ما بارها مورد تجارت سیاسی قرار گرفته و تجارب تلخ حد اقل سه ده اخیر شیدا آنها را محتاط ساخته و به هر ریسمان دراز با احتیاط و تردید نگاه نموده و میترسند. میترسند تا باز هم مورد و موضع تجارت سیاسی این و آن قرار نگیرند.

عده ای روشنفکران ما موجودیت خویش را در تناقض و تضاد واقع شدن در همه چیز و همه کس میبینند و در هر مورد و بی مورد در مخالفت قرار میگیرند.

هست مواردی که مخالفت صرف برای مخالفت و خود نمایی است نه برای سازندگی هست موارد منفی بافی و اهداف غیر خیر.

اما به فهم من و قضاوت من هیچ یک از حالات فوق ما را نباید از مسیر اصلی منحرف و یا دلسرده سازد. من به این باورم که این عوامل و فاکتور های منفی نباید ما را با احتیاط بیش از حد، جبون و بی تصمیم ساخته، توانایی و جرأت ابتکار عمل را از دست ما بگیرد.

بر ماست باید با تمام درایت و هوشیاری رسالت خویش را برای امر خیر با پیگیری اداء کرد.

چی افراد باید این حرکت را به پیش ببرند و کی ها در رهبری قرار گیرند؟

عده ای ساده و غیر مسؤولانه به هر قیمت انتقاد دارند اما خود راه حل پیشکش نمی کنند. عده ای تپاه های سرخ و سبز در خورجین دارند و به هر پیشانی که دلشان خواست میکوبند. نه خود چیزی برای گفتن و پیشکش کردن دارند و نه دیگران را قبول دارند. تلاش برای یافتن افراد ناب و بدون گذشته تلاش است غیر عملی. هر یک از ما گذشته، سمپتی و انتی پتی های خویش را داریم و داریم. به فهم من همه ما گذشته داریم، در خانواده، قریه و محل تولد شده، آموزش، فهم و تجارب بخصوص ما شخصیت و طرز تفکر ما را ساخته. با وجود تلاش و همکاری خیر هر یک موجود مستقلیم. درین راستا به فهم من نمی توانیم حتی دوبرادر را دارای عین تجارب و اندیشه های فکری با تمام جزئیات دریافت. برماست تا مشترکات خیر را برجسته ساخت و آنرا در اولویت کار خویش قرار داده و برای تحقق آن ها کار مشترک نمایم. در جامعه همه قهرمان نیست و بوده نمی تواند. هست مواردی که قهرمان یکی خاین دیگر و خاین دیگر قهرمان آن دیگر است. همه بدون اشتباه نبوده و نیست.

درین راستا در گذشته ماندن و تنها و تنها در گذشته چسبیدن کاری را به آینده نه خواهد ساخت. عدم مراعات اعتدال و گذشته را برای آینده نه دیدن خطا است. به فهم من بدون تفکیک و آسان سازی همه را به اصطلاح به یک جوال انداختن کاری را به جای نمی رساند و خود افراطی گری و بی عدالتی است. اگر تا هنوز هم این را اعتراف نکنیم و ندانیم - این حالت مشکل است که باید آنرا خود حل نمایم.

درین راستا باتفکیک مسؤولیت اخلاقی، ایمانی، وجدانی، سیاسی و جزایی با آنها کاری مشترک و هماهنگ کرد که دستش به خون ملت افغان آلوده نباشد. افراط و تفریط درین راستا خود مشکل برانگیز خواهد بود. افکار و اندیشه های ما از مراحل مختلف فکری و انکشافی عبور کرده و به این مرحله رسیده. مهم این است که مرتکب تخلف جبران ناپذیر نشده در راه خدمت به صلح و تفاهم نیک عملا گام برمیداریم. در مسأله کشور و مردم ما افغانستان و امر صلح و نجات مسایلی است که اولویت های همه باید و باید برای امر خیر و خدمت به انسان و انسانیت مشترک بوده و درین راه به همکاری و مساعی مشترک کار نمایم. ما هر زمانیکه درک کردیم که تلاش برای ساختن سنج سیاسی به یک سنج که انعکاس دهنده واقعی چهره سیاسی کشور ضامن صلح پایدار است. ما را به صلح پایدار نزدیک میسازد.

سنج سیاسی فعلی افغانستان خلاء ها و شکافهای دارد که بدون مرمت آن صلح در کشور ما میسر و ممکن نیست. به اساس همین اصول به فهم من حرکت و جنبش طالبان و حزب اسلامی جزء چهره سیاسی افغانستان است. از جانب دیگر با تأسف من زمانیکه اعلامیه الفتح حرکت طالبان را مبنی آغاز عملیات تابستانی آنها درین اواخر مطالعه میکنیم میبینیم که این اعلامیه و مشی فاقد برنامه صلح برای افغانستان فاقد برنامه تفاهم نیک، آرامش و کار فرهنگی و عمرانی براین مردم افغانستان است. به این استدلال که این برنامه مشخص است و برنامه جامع دیگر است و اینکه درین شرایط صرف یک راه آن هم راه جنگ گزینه دیگر ندارد باید گفت که ما میخواهیم و ملت میخواهد الترناتیف و برنامه صلح و راه حل غیرنظامی بشنود. هر کس که خود را خدمتکار، اسلام، مردم و امر

صلح میدانند باید در پهلوی سایر تدابیر صلح و الترناتیف صلح و تفاهم نیک نیز داشته باشد. صرف به تفنگ و تانک و جنگ اتکاکردن به رنج و آلام ملت خواهد افزود و سبب تجرید همچو نیروها در سطح ملی و بین المللی خواهد شد.

متاسفانه در اعلامیه الفتح شوری رهبری حرکت طالبان یکسره از کشتن، بستن و تباه کردن صحبت بود و کدام تدبیر در مورد شرایط دیگر و الترناتیف صلح برای افغانستان و مردم آن ملاحظه نکردم. به حق کشته شدن افراد ملکی در عملیه انتحاری در سرک دارالامان و کشتن متعلمین در ولایت غزنی و ... نتایج حاصله آن است. متأسفم که درین اعلامیه شوری رهبری طالبان نخواندم که چه تدابیر عملی برای جلوگیری کشتن و خون ناحق صورت گرفته و یا خواهد گرفت.

بلی درین اعلامیه ندیدیم و نخواندیم که مانند مدافع علم و فرهنگ، شفاخانه ها و مراجع علمی و فرهنگی که در تربیه اولاد و آینده وطن تعیین کننده است این حرکت و یا دیگر مخالفین مسلح و غیر مسلح چه تعهدات و تدابیر عملی روی دست دارند.

من نیافتم که چه تفاوت درین بین حرکت طالبان امروزی با حرکت طالبان دیروزی در عمل وجود دارد. دقیقاً آنچه‌ی که بخشی در مورد حرکت طالبان ادعا دارند. لطفاً آنهاری که به این تفاوت پافشاری دارند من را رهنمایی بدارید و برای شواهد عملی آنرا مثال بیاورید. برنامه های شان را درین راستا به ملت و جهانیان تقدیم بدارید. اینکه کدام سازمان و حرکت سیاسی حرکت یاغی، باغی و شر است و به تدریج تجرید و نابود خواهد شد و کدام حرکت و سازمان سیاسی که عده آنرا یاغی و باغی میدانند و وی در واقعیت مقاومت و خدمت گار مردم و ارزشهای آنها است این تنها به گپ و تأکید نمی شود. این را باید در برنامه های و نسخه های مطروحه و عمل ثابت بسازند. در غیر آن ادعا خواهد ماند و پوچ و میان تهی است.

در صورتیکه عمل با گفتار و ادعا مخالف باشد چه جای تعجب است که عده با افراط در مورد حرکت طالبان موضع میگیرند و نمی خواهند اصلاً در صحنه سیاسی کشور ما وجود داشته باشند.

اما ما میدانیم که نخواستن تا نخواستن را به واقعیت و عمل در آوردن دو مطلب و حالت جدا گانه است.

نهی چیزی و یا کسی در اذهان حتمی نیست به نفی در خارج از ذهن ما بینجامد.

لذا تعجب آور نیست که عده ای به آدرس حرکت طالب و یا دیگر مخالفین مسلح حاکمیت امروز و حاکمیت امروزی انزجار و تنفر خویش را به گونه های مختلف تبارز میدهند. توجه کنید به یکی دو مثال: (... بیاد داشته باشند که زنان افغانستان که بیش از پنجاه فیصد جمعیت آن کشور را تشکیل میدهند به هیچ وجه خواهان زندگی تحت سلطه رژیم طالبان که افغانستان و جهان آنرا برای پنج سال تجربه نموده است - نیستند. آوردن طالبان به افغانستان به معنی بستن دروازه ها بروی انکشاف و شگوفایی، پامال گردیدن حقوق زنان، افتادن امور سیاسی افغانستان به دست پاکستان و عربستان سعودی و بازگشت به وحشت و عقب ماندگی خواهد بود. ... نه از طریق مصالحه با طالبان بلکه مقابله شدید و پاکسازی مناطق جنوب .... لینا روزبه - افغان جرمن آنلاین - مصالحه با کی؟ مؤرخ (۳/۲/۲۰۱۰).

به فهم ما گروه - حزب و سازمان را مبنی بر معیار ها و شناخت دیروز مبنی بر اینکه ( حکمتیار آشتی ناپذیر است! روزنامه هشت صبح مؤرخ ۲۰۱۰/۲/۴) آن و یا این آشتی ناپذیر است نباید منحصیث سند و تأکید تعیین کننده باقی گذاشت و در مورد سنگک و بی تغییر فکر باقی ماند.

دقیقا مردم افغانستان تلاش و حق دارند بدانند که این حرکت طالب و دیگر مخالفین مسلح با حرکت طالب و مخالفین مسلح حاکمیت امروز با این حرکات سیاسی و نظامی دیروز چه تفاوت دارند.

مردم حق دارند بدانند که حاکمیت امروز چه تدابیر خیر و خدمت عملی امروز در تفاوت با دیروز روی دست دارند. این حق ملت است و صلح خواهان جهان است. مردم چشم و گوش باز دارند و قضاوت خواهند کرد.

چه جای تعجب است که با کشتن و اعدام محصلان و متعلمان و در خطر قرار دادن حتی مکاتب و مدارس توسط حرکت طالبان و عده دیگر از مخالفین مسلح حاکمیت امروز و تحت کارنامه های مشابه شان مردم به ضد شان قرار گرفته و استدلال و موضع مخالف شان را دارند. مثلا **پوهاند دوکتور م. ا. زیار - (اکسفورد، ۱۷-۱۰-۵)** در جواب آقای زیرکیار مینویسد: **طالبی مقاومت ملی نه، بلکه ایدیولوجیکی دی.**

(( له دی ټولو سره سره، پرڅه چې زما سر نه خلاصیږي، هغه د طالبانو تر هگري او بیا خانمرگی تر هگري ((مقاومت)) بلل دي !

د شهرت ننگیال له منبني به یې راپیل کړ م: ((...په جهادي پیر کې مور د خپلو سرغندیانو تر اغیز لاندې دومره راغلي وو چې د پاچا خان خبرې مو د کابل کمونیستی واکمنی او د شوروي لښکرو په گټه انگیرلي. هغه به همدا ویل داد زبرځواکونو جنگ دی، تاسی ولی په لوی لاس خپل هیواد وړانوی، زه به مو له کابل حکومت سره د روغې جوړې منځگړیتوب وکړم.

دا به ومنو چې اوسنی خانمرگی تر هگري یې د امریکا په سروالی د بهرنیو نیواکگرانو او کورنیو نوکرانو پر وړاندې یو راز مقاومت دی، خو ملی نه، بلکه سوچه ایدیولوجیک دی. په بله وینا، د خاورې او ولس پرځای دخپل((اسلامي امارت)) د بیا راتپلو په موخه دی، هماغه امارت چې واک او لارښوونه یې د پخوا په څیر په عربو او پاکستا نیانو اړه ولري او کومه افغاني- پښتني پېژند نښي او ورسره ورسره د نومهالي پوهي، فرهنگ او تمدن نښي نښانې چې تېر ځل یې له بلوسني او مسخوني راپاتي دي، هغه هم یومخیزه له منځه یوسي. پر نارینه وو ریري او پټکي اجباري کړي، پر ښځمنو د عربو د((جهالت)) پېر راولي او دکور پر گور یې ومندي او پر هندوانو سپکانو او نورو نامسلمانانو خانگري ژوند توگي او یو نیفورم اغوستو ته اړباسي. زه گومان نه کوم د احمد رشید او امریکایي بل اندي(دیگر اندیش یا دیسیندنېت) رسنوال او لیکوال یې د واکمنی د بیارامنځته کېدنې پلوي اوسي!!))

بر حرکت طالبان و شورای مرکز شان، و دیگر جوانب ذیدخل تراژیدی مردم افغانستان است، که اگر مدعی خدمت به مردم و اسلام اند در موارد اعتراضات فوق و در برابر اعتراضات باید جواب داشته باشند. ضرورت تدابیر عملی داشتن درین راستا به علت یک عامل عمده دیگر نیز است و آن اینکه فهم، شناخت و اعتراض مردم و جهانیان در رابطه به اسلام به معیار های اعمال از افراد و سازمانهای صورت میگیرد که خود را تیکه داران اسلام میدانند. بلی اسلام به ذات خود ندارد عیب - هر عیب که است در فهم ما ست. در مسلمانی ماست.



اینها حق ندارند با اعمال خویش مردم را از اسلام روی گردان سازند. گناه این روگشتاندن از اسلام به دوش همین نیرو های به نام اسلام خواهد بود که خواسته و نا خواسته در خدمت ستراتیژی های دیگران به خرابی خانه و کاشانه افغانها مصروف اند.

بلی این اعمال بی سر و بی پا دین اسلام را دین ارباب ، بمب گذاری و تشدد معرفی و خلاصه میکنند. این اعمال و خلاصه کردن کار و پیکار حق و تحقق اهداف سیاسی و اسلامی را صرف و صرف در تشدد ، خراب کاری و بمبگذاری خلاصه کردن در تحلیل نهایی به نفع اسلام، به نفع ملت افغان و به نفع بشریت نبوده و نیست. این اعمال بر به حق بودن مطالبات اولی شان و خدمت گار بودن شان سوالیه های گذاشته و تأثیر معکوس خواهد داشت.

این اعتراضات را نادیده گرفتن سبب تجرید شان از ملت و جهان شده و انزجار ملت و مواخذه الهی را در بر خواهد داشت.

بلی این حق ما است که به راست بودن نسخه و راه خویش ایمان داشته باشیم و برای توسعه آن از راه های متمدن کار کنیم. اما ما حق نداریم که نظر خویش را بر دیگران تحمیل کنیم.

ما منحصت تبعه کشور حق نظر خویش را داریم. اما منحصت مسؤول امنیتی و صلاحیت دار حکومتی حق نداریم معیار نظر و راه خویش را با استفاده از پست دولتی بر دیگران تحمیل نموده و به متر و اندازه گیری ما کسانی که موافق نیستند آنها را مورد تعقیب و پیگرد قرار دهیم.

با عین روش حد اقل گستاخانه حق قضاوت و انتخاب دیگران را به خود انتقال میدهیم. روشی که اکثریت حاکمیت های استبدادی در تاریخ کشور ما و کشور های دیگر جهان نمودند و مینمایند.

کشور ها و نیرو های خارجی ، پاکستان ، ایران ، امریکا ، انگلیس، بخشی از کشور های شرق میانه به شمول حکومت عربستان سعودی و تمام منابع خارجی در کشور ما ستراتیژی های خویش را دارند و در اکثریت و حتی تمامی موارد منافع خویش را اولویت خواهند داد.

عده شان با ما کمک خواهند کرد تا این جنگ را تا اخیر دنبال کنیم. اما بر ماست تا با هوشیاری و زعامت نیک و مدبر خود و مردم خود را بالاخره ازین تهلکه نجات دهیم.

بر ما ست تا ازین هم دیر نشده ما خود بیدار شده با تفاهم بین الافغانی مصالحه و مفاهمه خیر به مفهوم بالا و با در نظر داشت ملاحظات فوق زمام امور خویش را و ابتکار عمل را به دست خویش گرفته و مردم خویش را ازین ظلم و تعدی نجات دهیم .

**بر ماست با صدا های صلح و نجات مردم افغانستان همصدا شویم.**

بلی چنین است فهم من از تلاش های جرگه صلح و نجات مردم افغانستان.

الله تعالی میفرماید: ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیر ما بانفسهم - خدای هم نه بدلوی حال د هغه قوم - خو چه خپل حالت بدل نه کری په خپله.

بلی باید سرنوشت خویش را بدست خویش گرفت و ادای رسالت کرد.

بلی بر ماست تا رسالت خود را اداء بداریم و صدای خویشرا با صدای صلح و نجات همصدا سازیم.

والسلام علی من اتبع الهدی

سپاهی صلح خیر و تفاهم نیک